

پیش‌خواران

«مشروطه مشروعه و علمای تبریز» در آیینهِ یک پژوهش نوانتشار

باز خوانی علل یک رویگردانی!

■ شاهد توحیدی

اثری که هم‌اینک درباره آن سخن می‌رود، یکی از واپسین تألیفات زنده‌یاد استاد سیدهادی خسروشاهی است که «مشروطه مشروعه و علمای تبریز» نام گرفته است. شایان ذکر است که اجداد آن محقق فقید، چملمگی در عداد مشروعه‌خواهان بودند و همین امر، بستر مناسبی برای شناختن وی از وقایع مشروطیت در تبریز را فراهم کرد. مرحوم خسروشاهی در دیباچه این اثر، در باب محتوای آن چنین آورده است: «بحث ما در این رساله بررسی مکتب تبریز درباره نهضت مشروطیت با نقش علمای بزرگوار در بنیان‌گذاری آن نیست، بلکه هدف اشاره فهرست‌وار به علل دوری یا کنارگیری علمای تبریز از همکاری با نهضت است، حال آنکه خود، بنیان‌گذار اصلی این حرکت بوده‌اند. احمد کسروی علی‌رغم گرایش ضدعلمایی که از آغاز به آن شهرت داشت، در این موضوع نمی‌تواند حقیقت را بیان نکند و در کتاب خود می‌نویسد: ...نباید این نکته را فراموش کرد که مشروطه را در ایران علما پدید آوردند. در آن روزها که در ایران غول استبداد درفش افراشت کسی را یاری دم زدن نبود، تنها علما بودند که دل به حال مردم سوزاندند و گاهی سختانی می‌گفتند. در آن زمان که توده انبوه در بستر غفلت خوابیدند و هرگز کاری به نیک و بد کشور نداشتند، در بسیاری از شهرها علما پیشقدم شدند و سرانجام بنیاد مشروطه را علما گذارند... و علمای تبریز در این زمینه پیشتاز بودند و حتی به گفته بعضی از پژوهشگران، تهران را نیز به حرکت درمی‌آوردند و نقش ویژه‌ای در تحرک مرکز به عهده داشتند. در همین برهه گروهی از سوسیالیست‌های



آیت‌الله حاج‌میرزا حسن مجتهد تبریزی که از سوی مشروطه‌خواهان تبعیدشد

قفقازی ایرانی تبار و روشنفکر نمایان داخلی که خود را آزادی‌خواه می‌نامیدند، اجرای توطئه کنار گذاشتن علما را کلید زدند و با مطرح ساختن شعارهایی از قبیل مین‌پرستی! و حقوق برتر توده‌ها! باعث دوری علما شدند. این خواست آزادی‌خواهان و ملایان را از هم جدا می‌کرد... این گروه به ظاهر انقلابی در انجمن ایالتی تبریز نفوذ کردند و در واقع اداره امور آن را به عهده گرفتند و ناگهان اعضای انجمن ایالتی تبریز، یعنی هواداران اصلی مشروطیت، علی‌رغم ادعاهای نخستین خواستار لغو شریعت در تنظیم قانون اساسی شدند و حتی پس از غلبه بر انجمن اسلامی‌ه و اخراج یا تبعید حاج‌میرزا حسن مجتهد میرمهرش دو-چی، انجمن ایالتی تبریز از موضع قدرت! در تلگرافی که به مجلس شورای ملی فرستاد، رسماً اعلام کرد ما خواهان قانون اساسی هستیم... نه قانون شریعت!... این نشان دهنده ماهیت درونی ضددینی صحنه گردانان انجمن ایالتی تبریز بود و البته ابوابش نفوذی در این انجمن هم در تورواها، قتل‌ها و غارت‌های منازل تبریز نقش اصلی را بازی می‌کردند!

چه بزرگوار، هر حوم آیت‌الله آقای سیداحمد خسروشاهی که با این قبیل اقدامات به‌طور علنی همراه بقیه علما مخالفت می‌کرد، سرانجام به علت سفر به عتبات عالیات- که روش سالانه او بود- متهم شد که برای تغییر دادن نظریه مراجع نجف بر ضد مشروطیت عازم عتبات شده است... به‌ویژه که این بار در عرض چند ماه او دو بار راهی عتبات و نجف اشرف شده بود و به گزارش خبر چینی از نجف به وزارت امور خارجه ایران او اعزام شده از طرف ولیعهد ساکن تبریز بوده است! در حالی که مراجع عظام نجف اشرف به‌طور مکتوب و رسمی این اتهام را رد و شایعات عناصر مشکوک را در این زمینه تکذیب کردند که متن بیانیه‌های آنها در ویژه‌نامه جریده ملی چاپ تبریز منتشر شد. این رساله ضمن اشاره به چگونگی مسائل مشروطیت در تبریز و علل طرفداری علمای تبریز از مشروطه مشروعه موضع‌گیری مخالف جد بزرگوار را در این باره با اسناد و مدارک روشن می‌کند و اتهامات را از قول مراجع عظام نجف اشرف رد می‌کند... باشد که مورد قبول و توجه اهالی تاریخ قرار گیرد.»

■ **احمد رضا صدری**

این روزها، تداعی گرسالروز بر دار شدن شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به جرم اسلام‌خواهی و شریعت‌مداری است. با این همه در طول دهه‌های پس از شهادت، زمانه از یاد او نکاست و نامش از آوازه نیفتاد. هم از این روی و در بازشناخت ایمان و آرمان آن بزرگ، به بازخوانی روایت‌ها و تحلیل‌هایی در این باب پرداخته‌ایم. امید آنکه مشروطه‌پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول افتد.

■ ■ ■

■ **شیخ هرگز از اندیشه مهار قدرت و دفع مظالم استبداد فاصله نگرفت**

آیت‌الله حاج‌شیخ یحیی نوری معروف به علامه نوری از بستگان شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری و صاحبان اطلاعات خانوادگی درباره وی به شمار می‌رفت. وی در واپسین سالیان حیات خویش و در گفت و شنودی، به تبیین علل موفقت اولیه و مخالفت ثانویه وی با مشروطیت پرداخت. او در این گفت‌وگو اذعان داشت که شیخ گمان می‌برد که قرار است ظلم و استبداد محدود شود و نه اسلام؛ «مرحوم حاج شیخ فضل‌الله در آغاز بدین تصور که دست استبداد شاه کوتاه می‌شود و شمشیر او در غلاف می‌رود، موافق مشروطه بود و در نهضت عدالتخانه حضور یافت، اما به تدریج وقتی ملاحظه کرد قلم به دستان فرهنگ‌رفته و دیگر بازی خورده‌ها، به انبیا و مظاهر اسلام و امثال آن اهانت و حاکمیت منهای دین عنوان می‌شود، بی‌درنگ از چنین مشروطه‌ای کنار کشید و اعلام کرد باید مشروطه در لوی شرع و کتاب شریعت باشد و این معنی را به همه علما و مردم طی لوائح و بیانیه‌های گوناگون اعلام می‌نمود. شیخ تا آخرین دم حیات هرگز از اندیشه مهار قدرت سلطنت و دفع مظالم استبداد فاصله نگرفت، اما جان کلام وی این بود که این محدودیت لزوماً باید بر تخمین در از آموزه‌های مکتب اسلام باشد. او اعتقاد داشت که استعمار شور و هیجان عمومی مردم برای برقراری عدالتخانه را به نفع خود روده و مصاحره کرده است. ایشان با مشاهده زمینه‌سازی سفارت انگلیس بارها به اطرافیان و ملازمان خود گفته بود: چگونه است که هیچ عاقلی در این مملکت از خودش نمی‌پرسد چه شده که سفارت انگلیس سنگ برقراری حکومت عل را برای ما به سینه می‌زند؟! در زمان تخمین در زاویه حضرت عبدالعظیم نیز، تمامی اعتراض ایشان به این بود که الان کسانی میداندار سیاست و اداره کشور شده‌اند که با اسلام عداوت دارند و به دولت‌های خارجی به‌ویژه انگلیس وابسته هستند. سال‌ها بعد که تا حدی اسناد و تلگراف‌ها و راپورت‌های سفارت

دکتر یعقوب توکلی:

دکتر **یعقوب توکلی**: «**شیخ فضل‌الله چون تقابل روشنفکران را با شرع دیده بود، روی قانونی بودن شرع تأکید کرد. جدال شیخ با روشنفکران، بحث انتخاب شرع و عرف را جدی کرد. هر چه زمان می‌گذشت، مجموعه‌هایی که در نهان بایی‌مذهب بودند، فاصله‌بیشتری از دین پیدا می‌کردند و در این میان افرادی مانند بیرم‌خان ارمنی، به مراکز تصمیم‌گیری نزدیک شدند و به تسهیل روند حاکم شدن قوانین عرفی کمک کردند»**

انگلیس انتشار یافت، برای عموم مردم روشن شد که صحنه‌گردانی این معر که به دست کدام مرکز بوده است. اگر امروز ما درباره وجود لایه‌های انحرافی در نهضت مشروطه سخن می‌گوییم، پس از گذشت سال‌ها و روشن شدن بخش زیادی از ابعاد و جوانب مسئله و نیز افشای ماهیت عوامل و جریان‌های دخیل در آن طی سال‌های پس از این واقعه، چنین قضایونی می‌کنیم، اما مردمی که در آن مقطع زمانی به‌سسر می‌برند در کانون یک سلسله وقایع و رویدادهای سیاسی قرار گرفته بودند که با ماهیت آن آشنایی چندانی نداشتند و هویت جریان‌های پیچیده آن زمان برایشان چندان مشخص نبود. بنابراین، درست نیست که بگوییم چگونه برخی عوامل دست‌اندر کار و نیز مردم، همچون امروز ما، وجود جریان‌های انحرافی را در درک نکردند. درباره موضوع متفاوت سیددین طباطبایی و بهبهانی نیز باید گفت قرائتی در دست است که نشان می‌دهد آنها نیز در مواردی با شیخ توافق نظر داشتند؛ البته هیچ‌یک تیزبینی سیاسی او را نداشتند. نکته مهم دیگر در این باره این است که آنان از اینکه مواضعشان به مواضع شیخ نزدیک شود ابا داشتند. زیرا شیخ در آن مقطع، آماج حمله‌های تبلیغی مشروطه‌خواهان غیرمتدین قرار گرفته بود و آنها هم از این بیم داشتند که اگر به شکل مردم مشروطه‌خواهان غیرمتدین قرار گیرند، بنابراین حاکم شدن قوانین عرف کمک می‌کنند. بنابراین معتقد آنچه در زندگی شیخ فضل‌الله به وقوع پیوسته، متفاوت از تمام آن چیزی است که ممکن است در برخی قصاصات‌های جزئی تاریخی نوشته شده باشد. متأسفانه تاریخ را روشنفکران از طرفداران انقلاب ظلم و ستم بیش از اندازه شاه قاجار و والی تهران و نیز برخورداری بیگانگان از امتیازات ویژه در ایران برای نشان دادن اعتراض خود به حکومت، اقدام به مهاجرت نمودند. با این حال شیخ فضل‌الله نوری با درخواست بهبهانی برای همراهی ایشان مخالفت کرد. از دلایل اصلی مخالفت وی در این زمان علاوه بر وجود زیاد شاگردان در کلاس‌های درس، عدم اطلاع از هدف اصلی معترضین و نحوه دفاع کند اما نکته مهم اینجاست که احسان یارشاطر در مشروطه‌خواه و انجمن‌های مخفی را شیخ به صورت دقیق می‌شناخت و می‌دانست که مسائلی که این افراد مطرح می‌کنند با هیچ‌یک از مبانی شرع تطبیق ندارد. نکته جالب اینجاست که احسان یارشاطر در همان کتابش می‌گوید: بزرگ‌ترین امتیازی که شیخ فضل‌الله از روشنفکران سکولار گرفت این بود که به روشنفکران قبولاند که مذهب رسمی ایران شیعه اثنی‌عشری باشد. این سخن به این معناست که این روشنفکران سکولار از شیخ فضل‌الله نوری از روشنفکران سکولار گرفت، در حالی که جریان روشنفکری به مذهب اثنی‌عشری اعتقادی نداشت و نمی‌خواست چنین امری را بپذیرد. در واقع ایستادگی شیخ فضل‌الله است که این مسئله را به نتیجه می‌رساند. معتقدم

■ **اواز باطن جریان روشنفکری سکولار آگاه شده بود**

دکتر یعقوب توکلی تاریخ‌پژوه و به‌ویژه مشروطه‌پژوه معاصر، در گفتاری به بازخوانی سبسترهای تقابل آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری با جریان متور الفکری وقت پرداخته است. او با تأکید بر اینکه زمینه‌های این رویارویی را شناخت دقیق و تیزبینی شیخ فراهم ساخت، می‌گوید: «ایشان از باطن جریان روشنفکری سکولار آگاه شده بود، همچنان که شاید برای بسیاری این اتفاق بیفتد، مانند شهید مطهری که در دوره اخیر به این درک رسیده بود که این جریان‌ها اساساً با اسلام در تضاد هستند و دشمنی دیرین با اسلام دارند. بنابراین جریان



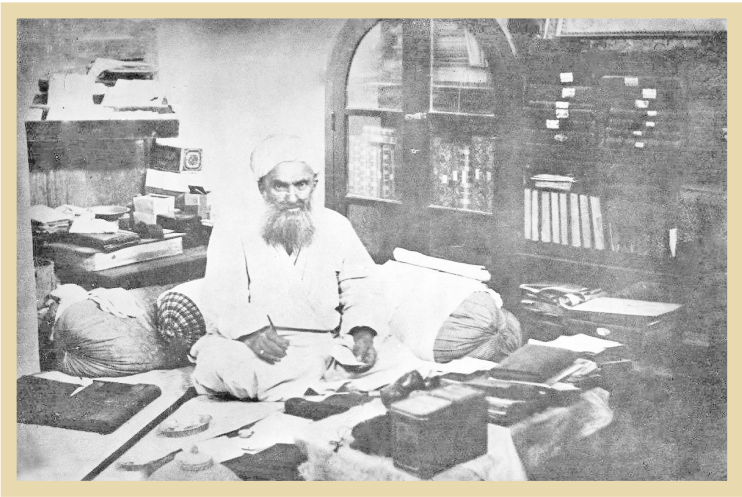
ایمان و آرمان شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری در آیینهِ روایت‌ها و تحلیل‌ها

چه شده که انگلیس برای ما سنگ عدل به سینه می‌زند؟

مشروطه برای مشروطه‌خواهان، محملی برای حذف و کنار گذاشتن اسلام است و شیخ فضل‌الله در برابر جریان روشنفکری ایستادگی کرد. شما اگر سیر فکری روشنفکران را قبل از شیخ فضل‌الله ببینید، متوجه خواهید شد گفت‌مان روشنفکران، گفت‌مان اسلام‌زدایانه است. بعد از شیخ فضل‌الله هم می‌بینید کاملاً گفت‌مان اسلام‌زدایانه در میان روشنفکران حاکم بوده است. زمانی که روشنفکران سکولار با طرح مشروطه به حاکمیت قوانین عرفی رسیدند و مدعی بودند باید عرف را حاکم کنند و شرع را کنار بگذارند، شیخ فضل‌الله مسئله را به‌خوبی درک کرده بود، و اکتش‌های او میزان حساسیت این مرد بزرگ را نشان می‌داد. شیخ چون تقابل روشنفکران سکولار را با شرع دیده بود، روی قانونی بودن شرع تأکید کرد. جدال شیخ با روشنفکران، بحث انتخاب عرف و شرع را در آن زمان جدی نمود. مجموعه‌هایی که ماهیتا شیخی یا بایی‌مذهب بودند مانند قزاق‌زاده، هر چه زمان می‌گذشت، تقریباً نخاست کسی که قبل از شیخ ظهور می‌کردند، این بی‌میان‌افردی مانند بیرم‌خان ارمنی، به مراکز تصمیم‌گیری نزدیک می‌شوند و به تسهیل روند حاکم شدن قوانین عرف کمک می‌کنند. بنابراین معتقد آنچه در زندگی شیخ فضل‌الله به وقوع پیوسته، متفاوت از تمام آن چیزی است که ممکن است در برخی قصاصات‌های جزئی تاریخی نوشته شده باشد. متأسفانه تاریخ را روشنفکران از طرفداران انقلاب ظلم و ستم بیش از اندازه شاه قاجار و والی تهران و نیز برخورداری بیگانگان از امتیازات ویژه در ایران برای نشان دادن اعتراض خود به حکومت، اقدام به مهاجرت نمودند. با این حال شیخ فضل‌الله نوری با درخواست بهبهانی برای همراهی ایشان مخالفت کرد. از دلایل اصلی مخالفت وی در این زمان علاوه بر وجود زیاد شاگردان در کلاس‌های درس، عدم اطلاع از هدف اصلی معترضین و نحوه دفاع کند اما نکته مهم اینجاست که احسان یارشاطر در مشروطه‌خواه و انجمن‌های مخفی را شیخ به صورت دقیق می‌شناخت و می‌دانست که مسائلی که این افراد مطرح می‌کنند با هیچ‌یک از مبانی شرع تطبیق ندارد. نکته جالب اینجاست که احسان یارشاطر در همان کتابش می‌گوید: بزرگ‌ترین امتیازی که شیخ فضل‌الله از روشنفکران سکولار گرفت این بود که به روشنفکران قبولاند که مذهب رسمی ایران شیعه اثنی‌عشری باشد. این سخن به این معناست که این روشنفکران سکولار از شیخ فضل‌الله نوری از روشنفکران سکولار گرفت، در حالی که جریان روشنفکری به مذهب اثنی‌عشری اعتقادی نداشت و نمی‌خواست چنین امری را بپذیرد. در واقع ایستادگی شیخ فضل‌الله است که این مسئله را به نتیجه می‌رساند. معتقدم

■ **اواز باطن جریان روشنفکری سکولار آگاه شده بود**

دکتر یعقوب توکلی تاریخ‌پژوه و به‌ویژه مشروطه‌پژوه معاصر، در گفتاری به بازخوانی سبسترهای تقابل آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری با جریان متور الفکری وقت پرداخته است. او با تأکید بر اینکه زمینه‌های این رویارویی را شناخت دقیق و تیزبینی شیخ فراهم ساخت، می‌گوید: «ایشان از باطن جریان روشنفکری سکولار آگاه شده بود، همچنان که شاید برای بسیاری این اتفاق بیفتد، مانند شهید مطهری که در دوره اخیر به این درک رسیده بود که این جریان‌ها اساساً با اسلام در تضاد هستند و دشمنی دیرین با اسلام دارند. بنابراین جریان



شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری در کتابخانه منزل شخصی خود

د

آیت‌الله یحیی نوری: «**شیخ تا آخرین دم حیات، هرگز از اندیشه مهار قدرت سلطنت و دفع مظالم استبداد فاصله نگرفت، اما جان کلام وی این بود که این محدودیت لزوماً باید بر خاسته از آموزه‌های اسلام باشد. او اعتقاد داشت که استعمار شور و هیجان عمومی مردم برای برقراری عدالتخانه را به نفع خود روده است. ایشان بارها به اطرافیان خود گفته بود چگونه است که هیچ عاقلی از خودش نمی‌پرسد چه شده که سفارت انگلیس برای ما، سنگ برقراری حکومت عدل را به سینه می‌زند؟!»**

شیخ فضل‌الله روحیه ایستادگی برای شرع و اسلام را دارد و این ایستادگی با معرفت و شناخت دشمن نیز همراه است. زمانی که شیخ را به سمت چوبه دار بردند، نه مستأصل بود و نه دچار خوف شده بود. خیلی راحت پای خود می‌دار می‌گوید: این عمامه‌ای که امروز از سر من برداشتند، از سر شما هم خواهند برداشت. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که بعد از پیش‌بینی شیخ فضل‌الله، این اتفاق افتاد و جریان سکولار به‌شدت با اسلام و روحانیت جنگید و باطن خود را زمانی که به قدرت رسید، نشان داد؛ به این ترتیب پیش‌بینی شیخ فضل‌الله به واقعیت پیوست. اینکه چرا شیخ فضل‌الله نوری ندیده‌ها را دیده نبود و دیگران نتوانستند ببینند، به این دلیل است که دیگران در معرض آن قرار نگرفتند. این پرسش را می‌توان درباره استاد مطهری هم مطرح کرد که چرا ذهن و کنار گذاشتن اسلام است و شیخ فضل‌الله در برابر فکری روشنفکری ایستادگی کرد. شما اگر سیر فکری روشنفکران را قبل از شیخ فضل‌الله ببینید، متوجه خواهید شد گفت‌مان روشنفکران، گفت‌مان اسلام‌زدایانه است. بعد از شیخ فضل‌الله هم می‌بینید کاملاً گفت‌مان اسلام‌زدایانه در میان روشنفکران حاکم بوده است. زمانی که روشنفکران سکولار با طرح مشروطه به حاکمیت قوانین عرفی رسیدند و مدعی بودند باید عرف را حاکم کنند و شرع را کنار بگذارند، شیخ فضل‌الله مسئله را به‌خوبی درک کرده بود، و واکنش‌های او میزان حساسیت این مرد بزرگ را نشان می‌داد. شیخ چون تقابل روشنفکران سکولار را با شرع دیده بود، روی قانونی بودن شرع تأکید کرد. جدال شیخ با روشنفکران، بحث انتخاب عرف و شرع را در آن زمان جدی نمود. مجموعه‌هایی که ماهیتا شیخی یا بایی‌مذهب بودند مانند قزاق‌زاده، هر چه زمان می‌گذشت، تقریباً نخاست کسی که قبل از شیخ ظهور می‌کردند، این بی‌میان‌افردی مانند بیرم‌خان ارمنی، به مراکز تصمیم‌گیری نزدیک می‌شوند و به تسهیل روند حاکم شدن قوانین عرف کمک می‌کنند. بنابراین معتقد آنچه در زندگی شیخ فضل‌الله به وقوع پیوسته، متفاوت از تمام آن چیزی است که ممکن است در برخی قصاصات‌های جزئی تاریخی نوشته شده باشد. متأسفانه تاریخ را روشنفکران از طرفداران انقلاب ظلم و ستم بیش از اندازه شاه قاجار و والی تهران و نیز برخورداری بیگانگان از امتیازات ویژه در ایران برای نشان دادن اعتراض خود به حکومت، اقدام به مهاجرت نمودند. با این حال شیخ فضل‌الله نوری با درخواست بهبهانی برای همراهی ایشان مخالفت کرد. از دلایل اصلی مخالفت وی در این زمان علاوه بر وجود زیاد شاگردان در کلاس‌های درس، عدم اطلاع از هدف اصلی معترضین و نحوه دفاع کند اما نکته مهم اینجاست که احسان یارشاطر در مشروطه‌خواه و انجمن‌های مخفی را شیخ به صورت دقیق می‌شناخت و می‌دانست که مسائلی که این افراد مطرح می‌کنند با هیچ‌یک از مبانی شرع تطبیق ندارد. نکته جالب اینجاست که احسان یارشاطر در همان کتابش می‌گوید: بزرگ‌ترین امتیازی که شیخ فضل‌الله از روشنفکران سکولار گرفت این بود که به روشنفکران قبولاند که مذهب رسمی ایران شیعه اثنی‌عشری باشد. این سخن به این معناست که این روشنفکران سکولار از شیخ فضل‌الله نوری از روشنفکران سکولار گرفت، در حالی که جریان روشنفکری به مذهب اثنی‌عشری اعتقادی نداشت و نمی‌خواست چنین امری را بپذیرد. در واقع ایستادگی شیخ فضل‌الله است که این مسئله را به نتیجه می‌رساند. معتقدم

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروطه‌خواهی، به دیده تردید می‌نگریست و آن را آلوده به مقاصد اعلام‌نشده می‌دانست. هم از این قسم است عدم همراهی وی با مهاجرت اولیه عده‌ای در زاویه نهضت مقدمه چاپ ششم علل گرایش به مادگیری بر برخی مرابه مرگ تهدید کردند! چرا آقای مطهری استنکاف نکرد و حرفش را پس نگرفت؟ چون اعتقاد داشت اگر قرار است مدعی برای بقیده‌اش کشته می‌شود.

■ **طناب دار، پاسخی به یک اعتراض!**

شواهد نشان می‌دهد شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری به رغم اعتقاد به دفع استبداد و تحدید سلطنت، به رفتار داعیه‌داران مشروط